

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 14, Consecutive Number 31, Spring 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Analysis of the Discursive Logic of the Author-Narrator's Continuous Metatexts in the Shazdeh Hamam by Papoli Yazdi

Kayhan Saeedi*¹/Seyyed Ahmad Parsa²

1: Master's student of Persian language and literature, University of Kurdistan

2: Professor of Persian Language and Literature, University of Kurdistan:

Corresponding Author (dr.ahmadparsa@gmail.com)

The subject of the present study is to analyze the discursive logic of the author-narrator's continuous metatexts in the *Shazdeh Hamam* by Papoli Yazdi (1327-) based on the metatextuality of the Genette (1930-2018). *Shazdeh Hamam* is the autobiography of Mohammad Hossein Papoli Yazdi, five volumes of which have been published so far and the first volume has been reprinted 34 times up to now, which shows the good popularity of this book. Part of this popularity in addition to the author-narrator's style prose, honesty, and frankness in revealing the facts, is related to its continuous metatexts; because the author, once in the role of narrator, recounts the events of his life and another time, in the role of a researcher, analyzes them. This issue turns the author-narrator an impartial narrator to an intervening narrator. The present study intends to analyze the discursive logic of continuous metatexts in the first volume of the book *Shazdeh Hamam* using descriptive-analytical method and the theory of Genette metatextuality. The reason to choose the first volume is the distance between the writing and the occurrence of events in which the existence of metatexts and their discursive logic are illustrated vividly. Also, the model of *Theo Van Leeuwen's* legitimation which offers four strategies for accreditation, moral evaluation, rationalization, and myth-making, has been used in this article. The result shows that achieving the desired situation forms the core of the author-narrator discourse; a discourse that is based on the critique of the current situation. This criticism which is the product of the author's knowledge, practical experience, his expertise, education and teaching in prestigious European universities, has made him to use metatexts in explaining the cause, interpretation, enlightenment, solution presentation, and the cases like this.

Keywords: metatextuality, the discursive logic, Shazdeh Hamam, autobiography, Papoli Yazdi

-Saeedi, K., Parsa, A. (2023). Analysis of the Discursive Logic of the Author-Narrator's Continuous Metatexts in the Shazdeh Hamam by Papoli Yazdi, 13(30), 161-190.

Doi: [10.22075/jlrs.2022.25127.1993](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.25127.1993)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴- شماره ۳۱- بهار ۱۴۰۲

صفحات ۱۶۱- ۱۹۰ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۰۸/۱۲- بازنگری ۱۴۰۱/۰۳/۰۶- پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی در شازده حمام پاپلی یزدی

کیهان سعیدی* ۱ / سید احمد پارسا ۲

۱: دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

۲: استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

dr.ahmadparsa@gmail.com

چکیده: شازده حمام، زندگی‌نامه خودنوشت محمدحسین پاپلی یزدی (متولد ۱۳۲۷) است که تاکنون پنج جلد از آن منتشر گردیده و با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شده است. موضوع پژوهش حاضر، تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی در شازده حمام پاپلی یزدی، بر اساس فرامتنیت ژرار ژنت (۱۹۳۰-۲۰۱۸) است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس فرامتنیت ژنت و تحلیل گفتمان ون لیوون صورت گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، کتاب پنج‌جلدی شازده حمام و حجم نمونه، جلد اول این کتاب است که تاکنون ۳۴ بار تجدید چاپ شده است. دلیل انتخاب جلد اول، فاصله نگارش و وقوع رخدادها در آن است که وجود فرامتن‌ها و منطق گفتمانی آن‌ها را بهتر ترسیم می‌کند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش، بر اساس تحلیل محتوا صورت گرفته است. نتیجه نشان می‌دهد در این کتاب، شاهد فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی هستیم که موجب شده از آن‌ها در تحلیل، تفسیر، روشنگری، نقد وضعیت موجود، ارائه راهکار و نمونه‌هایی از این دست استفاده کند که در متن پژوهش به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژه: فرامتنیت، منطق گفتمانی، شازده حمام، زندگی‌نامه خودنوشت، پاپلی یزدی.

- سعیدی، کیهان؛ پارسا، سید احمد (۱۴۰۲) تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی در شازده حمام پاپلی یزدی. مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۱، صفحات ۱۶۱-۱۹۰.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.25127.1993](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.25127.1993)

۱. مقدمه

پیوند دانش‌های گوناگون علوم انسانی، موجب پدید آمدن رویکردهای تلفیقی کارآمدی در حوزه بینامتنیت^۱ شده است. ژرار ژنت^۲ فرامتن را یکی از اقسام پنج‌گانه ترامتنیت^۳ قرار داده است. از دیدگاه او، فرامتنیت^۴ رویکرد تأییدی یا انکاری درباره یک متن است که نویسنده یا ناقدی در خارج از متن، آن را ارائه می‌دهد. در بسیاری از متون روایی فارسی، به فرامتن‌های درون‌متنی برمی‌خوریم که از سوی نویسنده با اهداف مختلف، از جمله تفسیر، تعلیل، ارائه راهکار و... نوشته شده است. این فرامتن‌ها گفتمان خود نویسنده هستند و مؤلف-راوی را از راوی بی‌طرف به راوی-مفسر تبدیل می‌کنند. به‌رغم اهمیت این فرامتن‌های پیوسته، تاکنون به‌گونه‌ای بی‌توجه نشده است. پژوهش حاضر برای رفع این کاستی، به تبیین چرایی و تعیین کارکردها و مؤلفه‌های گفتمانی فرامتن‌ها در زندگی‌نامه خودنوشت شازده حمام می‌پردازد و می‌کوشد منطق گفتمانی فرامتن‌های مؤلف-راوی را در گفتمان روایی نویسنده تحلیل کند.

۲-۱. بیان مسئله

کتاب شازده حمام، اتوبیوگرافی محمدحسین پاپلی یزدی (۱۳۲۷-) است که تاکنون پنج جلد از آن چاپ شده است. نوع زندگی مؤلف-راوی، نشست و برخاست او با اقشار فرودست و فرادست جامعه، تحصیل و تدریس در دانشگاه‌های داخل و خارج، مسافرت‌های فراوان، تناسب رشته تحصیلی (جغرافیای انسانی) با رویکردهای او در این کتاب، در کنار نثر شیوای مؤلف-راوی، پیراستگی متن از واژه‌ها و اصطلاحات دشوار، صداقت، صراحت و وجود فرامتن‌های پیوسته او موجب شده هر مخاطبی با هر سن و سالی به اقتضای درک خود، مطالب را دریابد و همین مسئله، کتاب را با استقبال فراوان روبه‌رو کرده است. ۳۴ بار تجدید چاپ تا تاریخ نگارش این مقاله، به‌خوبی مؤید

1. Intertextuality
2. Gerard Genette
3. Transtextuality
4. Metatextuality

این ادعاست. به نظر می‌رسد علاوه بر نکات یادشده، بخشی از این استقبال، مربوط به فرامتن‌های پیوسته آن بوده که یکی از تفاوت‌های بارز این کتاب با کتاب‌های دیگر از این نوع است. پاپلی یزدی در این کتاب، یک بار در نقش راوی، به بازگویی وقایع زندگی خود می‌پردازد و دیگر بار در نقش یک پژوهشگر، به تحلیل آن می‌پردازد. تحلیلی که چنان استادانه در قالب فرامتن‌های پیوسته جای گرفته که به سختی تفکیک پذیر است. خواننده در این کتاب، با دو نقش مؤلف-راوی و مؤلف-مفسر روبه‌روست که محصول فاصله زمانی وقوع رخدادها و نگارش آن‌هاست. این فاصله در جلد اول کتاب بیشتر و در جلد‌های بعدی کمتر است. در جلد اول، خواننده با کودکی مواجه است که راوی زندگی خود است؛ اما از آنجا که این نگارش در زمان پختگی نویسنده صورت گرفته، در جای جای کتاب، شاهد فرامتن‌های پیوسته هستیم که در آن‌ها مؤلف به اقتضای کلام، به تفسیر، تعلیل، روشنگری، سنجش و مقایسه، اقناع مخاطب و از همه مهم‌تر ارائه راهکار برای اصلاح جامعه و ترسیم آرمان شهر مدنظر خود می‌پردازد. همین مسئله، مؤلف-راوی را از راوی بی‌طرف به راوی مداخله‌گر تبدیل می‌کند.

پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه فرامتنیت ژنت، به تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته در جلد اول کتاب شازده حمام بپردازد. فاصله زمانی وقوع رخدادها و نگارش آن، دلیل اصلی انتخاب جلد اول بوده است. در تحلیل داده‌ها، منطق گفتمانی مؤلف-مفسر با استفاده از شیوه‌های تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شده است. پژوهش حاضر در همین زمینه می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. دلایل به کارگیری فرامتن‌ها از سوی مؤلف-راوی چیست؟
۲. مؤلفه‌های تشکیل منطق گفتمانی فرامتن‌های مؤلف-راوی در کتاب شازده حمام

کدام است؟

۳-۱. پیشینه پژوهش

درباره نظریه فرامتنیت ژنت پژوهش‌هایی صورت گرفته که به نظر می‌رسد از میان آن‌ها تنها روضاتیان و گرامی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به تقسیم‌بندی دوگانه فرامتن‌های پیوسته و گسسته اشاره کرده‌اند. بررسی‌های دقیق انجام گرفته نشان می‌دهد تا تاریخ تدوین این پژوهش، فقط چهار مقاله درباره اتوبیوگرافی شازده حمام نوشته شده است. محسنیان‌راد و نگهبان مروی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در کتاب شازده حمام پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده در اثر خود، بیش از هر چیز، به توصیف یک جامعه سنتی پرداخته است. جامعه‌ای که برخلاف انتظار، با گذشت زمان رو به سنتی‌تر شدن است. به‌طور کلی، رویکرد نویسنده به مضمون سنت، منفی است و از دید او مردم به‌سوی سنت‌های منفی در حال حرکت هستند و سرعت مدرن‌شدن به‌کندی پیش می‌رود. پناهی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بازنمایی اخلاقیات در کتاب شازده حمام می‌پردازند و نشان می‌دهند که ویژگی‌های اخلاقی از قبیل مناعت طبع، احترام به ریش‌سفیدها، مهمان‌نوازی، اخلاق پهلوانی، ایثار و دوری‌جستن از حسد، در این روایت به چشم می‌خورد. کشاورزی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی مفهوم عدالت اجتماعی در ادبیات با تکیه بر ادبیات داستانی و رمان شازده حمام پرداخته است. نویسنده به مفهوم عدالت اجتماعی در این کتاب می‌پردازد و در آن، به نمونه‌هایی مانند تبعیض جنسیتی اشاره می‌کند. پناهی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله کوتاه خود به بازنمایی وضعیت زنان در کتاب شازده حمام به شیوه تحلیل محتوا پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر زنان کتاب شازده حمام، زنانی ستم‌دیده و قربانی فرهنگ مردسالارانه جامعه ایرانی هستند. البته در این اثر، زنان کنشگر و قهرمان نیز که با تقدیر خود جنگیده‌اند، کم نیستند.

نگاهی به پژوهش‌های یادشده نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی کتاب شازده حمام از منظر تحلیل گفتمان فرامتن‌های پیوسته انجام نگرفته و نوشته حاضر، اولین کوشش در این زمینه است.

۴-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

درک بهتر گفتمان و ایدئولوژی مؤلف در متن، آگاهی از نقدها، نظریات و راهکارهای او، تغییر نگرش خوانندگان و پژوهشگران این نوع آثار در بازشناسی و بازخوانی فرامتن‌های پیوسته و به تبع آن، درک بهتر متن، پژوهش در این زمینه را از اهمیت بسزایی برخوردار می‌سازد.

۲. چارچوب و الگوی نظری پژوهش

بینامتنیت یکی از نظریه‌های جدید قرن بیستم است. این نظریه را اولین بار ژولیا کریستوا^۱ (۱۹۴۱-)، با الهام از نظریه گفت‌وگومندی و چندصدایی میکائیل باختین^۲ (۱۸۹۵-۱۹۷۵)، برای هرگونه ارتباط میان متون گوناگون مطرح کرد و بعدها پژوهشگران دیگری همچون رولان بارت^۳ (۱۹۱۵-۱۹۸۰)، لوران ژنی^۴ (۱۹۴۹-)، میکائیل ریفاتر^۵ (۱۹۲۴-۲۰۰۶) و ژرار ژنت به آن پرداختند. ژنت با گسترش این مسئله، آن را ترامتنیت نامید که بینامتنیت یکی از اقسام پنج‌گانه آن است. فرامتنیت، پیرامتنیت^۶، سرمتنیت^۷ و بیش‌متنیت^۸ دیگر اقسام ترامتنیت هستند. فرامتنیت بر اساس روابط تفسیری و تأویلی بنا شده که ژنت آن را چنین معرفی کرده است: «سومین گونه استعلائی متنی که من فرامتنیت می‌نامم، رابطه‌ای است که اغلب به آن تفسیر می‌گویند و موجب پیوند یک متن با متن دیگری می‌شود که بدون اینکه لازم باشد از آن نقل کند یا نامی از آن ببرد، درباره‌اش سخن گوید؛ چنان‌که هگل^۹ در پدیدارشناسی روح به‌طور تلویحی و گویا بی‌صدا نودورامو را یادآوری می‌کند. این رابطه به بهترین شکل، همان نقد است.

-
1. Julia Kristeva
 2. Mikhail Bakhtine
 3. Roland Barthes
 4. Laurent Jenny
 5. Michael Riffaterre
 6. Paratextuality
 7. Arcitextuality
 8. Hypertextuality
 9. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

به‌طور طبیعی، برخی از فرامتن‌های نقد و تاریخ نقد همانند‌گونه بسیار مطالعه شده‌اند؛ اما مطمئن نیستم که آن را با تمام توجهی که شایسته آن و جایگاه رابطه فرامتنیت است، انجام داده باشند» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: به نقل از ژنت ۹۲).

اما گونه‌ای دیگر از فرامتن‌ها در متون ادب فارسی، به‌ویژه در متون روایی کلاسیک به چشم می‌خورد که از سوی نویسنده-راوی مطرح می‌شود و در موارد زیر، با فرامتن‌های مطرح‌شده از سوی ژنت، متفاوت است:

۱. فرامتن‌های مدنظر ژنت، متن دومی است که پس از متن اول منتشر می‌شود و درباره آن توضیح می‌دهد. این توضیح می‌تواند از جنس تفسیر، تشریح، تأیید، تبلیغ، نقد، رد و انکار متن باشد؛ بنابراین، این نوع فرامتن، خارج از متن اول قرار دارد و مؤلف دیگری آن را می‌نویسد؛ مانند شرحی بر بوستان سعدی یا تفسیری از قرآن کریم که همگی در قالب فرامتن چاپ می‌شوند. «برای مثال، انواع تفاسیر کتب مقدّس، به نوعی تفسیر، تشریح و توضیح هستند؛ اما بسیاری از آثار فلسفی همچون *تهافت التهافت* ابن‌رشد در رد و انکار *تهافت الفلاسفه* غزالی نوشته شده است. همچنین بسیاری از نقدها نیز به تأیید و تبلیغ یک اثر می‌پردازند. فرامتنیت که ژنت به آن پرداخت، نیاز به تأمل بیشتری دارد» (همان: ۹۳).

از آنجا که فرامتن‌های مدنظر این پژوهش، اولاً جدا از متن نیستند و اغلب در دل متن جای گرفته‌اند و ثانیاً نه از سوی افراد دیگر، بلکه از سوی خود نویسنده نوشته شده‌اند، در پژوهش حاضر، با نام فرامتن‌های پیوسته از آن‌ها نام می‌بریم.

۲. فرامتن‌های مدنظر، برخلاف نظریه ژنت، تنها برای جلب مخاطب نیست؛ بلکه اهداف دیگری چون روشنگری، تعلیل، استنتاج، گفتمان نویسنده و... را بیان می‌کنند.

۳. این فرامتن‌ها به تناسب متون، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌شوند. بیان مستقیم از زبان نویسنده-راوی است که در کتاب *شازده حمام* از همین روش استفاده شده است. در روش غیرمستقیم که بیشتر مربوط به متون نثر روایی کلاسیک است، در قالب آیات، احادیث، اشعار، امثال و حکم، جملات معترضه و... می‌آید.

۴. گاه در متون کلاسیک، فرامتن‌ها در اول متن‌ها قرار می‌گیرند و به‌مثابه راهنما برای ورود به متن هستند که در متون امروزی می‌توان عناوین را جزو آن‌ها قرار داد؛ با این تفاوت که عناوین در متون قدیم، با اطناب و شرح بیشتری همراه بودند. «فرامتن‌های تفسیری، تبیین‌کننده یک متن و نقدها ارزیابی‌کننده آن‌اند. سرشت متن‌ها و فرامتن‌ها متفاوت است؛ زیرا متن‌ها به دنیای خلق و آفرینش و فرامتن‌ها به ساحت نقد تعلق دارد. کوتاه آنکه هیچ فرامتنی بدون وجود یک متن شکل نمی‌گیرد؛ درحالی‌که متن‌هایی وجود دارد که فرامتنی به آن‌ها تعلق ندارد» (روضاتیان و گرامی، ۱۳۹۷: ۲۶).

ژنت تنها در باب پیرامنتیت به تقسیم‌بندی دو گانه‌ای به نام‌های گسسته و پیوسته قائل است؛ اما به نظر می‌رسد فرامتن‌ها را نیز می‌توان به دو گروه فرامتن‌های پیوسته و گسسته تقسیم کرد. به اعتقاد نگارندگان، ژنت این تقسیم‌بندی را تنها در باب پیرامنتیت عرضه کرده است؛ اما فرامتن‌ها نیز می‌توانند به دو صورت گسسته و پیوسته در ارتباط و تعامل با متن قرار گیرند. همچنین از آنجا که فرامتن‌های پیوسته، بیانگر دیدگاه‌ها و گفتمان نویسنده درباره تأیید، انکار، تفسیر، ارائه راهکار و... است و جنبه نقادانه دارد، از الگوی تحلیل گفتمان مشروعیت‌سازی تئو ون لیوون^۱ (۱۹۴۷-) که چهار راهکار اعتباربخشی، ارزیابی اخلاقی، عقلانی‌سازی و اسطوره‌سازی را برای آن ارائه می‌دهد، در این مقاله استفاده شده است (رک: لیوون، ۱۳۹۵: ۲۱۲)؛ زیرا «تحلیل گفتمان باید متن را تحلیل کند و بگوید چهره زیرین آن چیست. کالبدشکافی کند و بگوید گوینده (یا نویسنده) چه افکار پنهانی داشته است و چهره پنهان او را آشکار سازد» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۹ و ۴۰). به دیگر سخن، تحلیل گفتمان با تحلیل گفتار متفاوت است. در تحلیل گفتار، به ویژگی‌های روبنایی یا ظاهری یک جمله یا متن (مانند آوا، دستور، واژگان و...) پرداخته می‌شود؛ اما «در گفتمان‌شناسی، لایه‌های عمیق و باطنی متن و ژرف‌ساخت آن با توجه به روساخت و واقعیت‌های زبانی و ارتباط آن‌ها با انواع قدرت‌های اجتماعی، کاوش می‌شود» (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۶).

۳. تجزیه و تحلیل

نویسنده شازده حمام با به کارگیری فرامتن‌های پیوسته در طی روایت، حضور خود را در متن برجسته می‌کند و با ارائه نظرها و جبهه‌گیری‌های شخصی، ضمن ارتباط بیشتر با خواننده، ایدئولوژی‌های خود را هم در لابه‌لای خاطرات مطرح می‌کند که اغلب بیانگر گفتمان خود نویسنده است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۳-۱. تبیین دلایل و چرایی به کارگیری فرامتن‌ها

دلایل متعددی وجود دارد که باعث می‌شود نویسنده از فرامتن‌های مختلفی استفاده کند که ما آن دلایل را بر اساس فراوانی، به ترتیب در نمودار الف بیان کرده‌ایم.

۳-۱-۱. تعلیل

بیان علت برای یک موضوع، معمولاً هم به روشنگری مطلب مدنظر کمک می‌کند و هم از ابهام پدیدآمده برای مخاطب می‌کاهد؛ زیرا خواننده هنگام مرور خاطرات نویسنده و رخداد‌های زندگی او ممکن است با پرسش‌هایی درباره چرایی وقوع آن‌ها مواجه شود. بیان فرامتن تعلیل می‌تواند پاسخی برای این قبیل سؤالات باشد. به نظر می‌رسد دلیل بیشتربودن این مورد از سایر موارد فرامتنی، همین مسئله باشد (رک: نمودار الف).

در مثال زیر، نویسنده، کاهش زورخانه‌ها را عاملی برای زوال اخلاق در میان مردم می‌داند و پهلوان‌پروری جامعه سنتی را بر قهرمان‌پروری جامعه امروزی ترجیح می‌دهد: «من فکر می‌کنم یکی از دلایلی که اخلاق مردم در این زمانه دگرگون شد، همین کاهش زورخانه‌ها و از بین رفتن اخلاق پهلوانی و پهلوان‌پروری است. در عصر جدید که ما همه قهرمان‌پرور شده‌ایم و قهرمانان هم برای خود در درجه اول، حق و حقوق مادی قائل شدند و معیارهای مادی مثل قیمت خانه، نوع ماشین و غیره ملاک سنجش شده است، دیگر چه انتظاری از گسترش روحیه مردی و مردانگی است؟... کم کم در کنار زورخانه‌ها، باشگاه‌ها پیدا شد و جوانانی که به پرورش اندام می‌رفتند، تلاش داشتند که لباس تنگ بپوشند و بازوهای خود را بیرون بگذارند (که البته باید این‌ها را هم تشویق

تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی در سازه حمام پاپلی یزدی — ۱۶۹

کرد) و در خیابان‌ها بالا و پایین بروند. کاری که از نظر پهلوانان مذموم بود» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۲۱۳ و ۲۱۴).

در جایی دیگر، نویسنده، فاصله طبقات اجتماعی را عاملی برای کاهش تعصب به ناموس می‌داند؛ یعنی نگاه طبقاتی به قشر فرودست جامعه، مانع ازدواج می‌شده و یکی از عواملی که همواره جوامع بشری را به سوی جدایی سوق داده، فاصله طبقاتی از حیث فقر و غناست:

«یکی از دلایلی که تعصب به ناموس کاهش یافت، همین جدایی‌گزینی جغرافیایی طبقات اجتماعی و تجمع طبقات خاص در محلات خاص است. وقتی نگاه بچه‌پول‌دار محله به دختر فقیر همسایه می‌افتاد یا برعکس و برادرهای دختر می‌دانستند که این نگاه منجر به ازدواج نمی‌شود یا اگر بشود، وصلت، وصله ناجور است و فقری می‌آید می‌خواهد از مال بابای آن‌ها ارث ببرد، غیرتشان خیلی گل می‌کرد و آتشی می‌شدند و چاقو می‌کشیدند. در حقیقت، ریشه و بخش مهمی از تعصب و غیرت ناموس عصر جاهلیت، زمینه اقتصادی و اجتماعی داشت تا دفاع از خواهر و فک و فامیل. بخش مهمی از دفاع از ناموس، دفاع از ثروت و پول و ارث پدر بود تا دفاع از دخترعمو، دختردایی که با ازدواج با او، ثروت خانوادگی در خانواده محفوظ می‌شد. وقتی مردم با شرع انور آشنا شدند، تعصب به ناموس، زمینه دینی و فرهنگی پیدا کرد» (همان: ۱۲۶ و ۱۲۷).

مصادیق دیگر: صفحات ۲۱، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۴۷، ۹۶، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۵۱، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۲۱.

۳-۱-۲. تفسیر

در سازه حمام، نویسنده در دو نقش نویسنده-راوی و مفسر-راوی حضور پیدا می‌کند. او ابتدا مانند یک دوربین، فقط ناظر حوادث است و رویدادها و افعال شخصیت‌ها را همان‌طور که اتفاق افتاده‌اند، روایت می‌کند (راوی بی‌طرف). گاه می‌بینیم در حین روایت، مطابق ذوق و نظر شخصی و البته بر مبنای منطقی تفسیر می‌کند و به قضاوت رویدادها می‌نشیند و با ارائه راهکار، راهی برای بهتر زندگی کردن نشان

می دهد (راوی مداخله گر) و این همان وجه تمایز این اثر با دیگر آثار مشابه است که در قالب اتوبیوگرافی نوشته شده اند. به عنوان نمونه، نویسنده شازده حمام در بخشی از روایت خویش، به زندگی فقیرانه زنان محله خود اشاره می کند:

«در آن زمان، کلّ زندگی سکینه بی بی رباب ملّا کمتر از ۵۰ تومان ارزش داشت. نصف یک زیلوی پاره ده هاساله، یک قابلمه، دو تا بشقاب و یک چراغ سه فیله ای و یک رختخواب و بالش پاره، زندگی او را تشکیل می داد» (همان: ۳۷).

تا اینجا جملات راوی است و آنچه را در خاطر دارد، روایت می کند. به عبارت دیگر، نویسنده در نقش راوی خردسالی به روایت وقایع آن دوران می پردازد؛ اما در این قسمت از متن، مؤلفه های فقر و جامعه زنان، باعث می شود نویسنده به منطق گفتمانی روی بیاورد. نویسنده این بار در نقش مفسّر - راوی ظاهر شده و از اینجا به بعد، حضور او در متن آشکار می شود و در آن، صدای خود او را می شنویم که تفسیر می کند و راهکار ارائه می دهد:

«مناعت طبع یعنی این. من همیشه فکر می کنم که باید زن های خانه دار بی سرپرست را بیمه کرد. مردمی که از طریق کمیته امداد و جشن عاطفه ها پول دریافت می کنند، احساس حقارت می کنند. به خیرین هم احساس برتری از اینکه کار خیری کرده اند دست می دهد. البته مشارکت در امور خیر خوب است؛ ولی این کارها مال صد سال قبل است. حتی صدها سال قبل، از طریق وقفیات خیلی محترمانه تر به مردم فقیر کمک می شد» (همان: ۳۷ و ۳۸).

مصادیق دیگر: صفحات ۲۴، ۲۹، ۳۳، ۵۸، ۸۶، ۸۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۴۴، ۱۸۶، ۲۰۶ و ۲۱۶.

۳-۱-۳. ارائه راهکار

همان طور که قبلاً اشاره شد، نویسنده قصد ندارد فقط گزارشی از وضع موجود را به مخاطب ارائه کند یا اینکه فقط آن را به نقد بکشد؛ بلکه هر جا مناسب می بیند، راهکاری ارائه می دهد تا به اصلاح وضع موجود پردازد. راهکارهای او اغلب برخاسته از تقابل

سنت و مدرنیته است که او آن را به‌خوبی درک کرده است؛ زیرا سخن از مسائلی چون بیمه کردن کارگران و زنان بیوه یا حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد از بچه‌های یتیم، اغلب مفاهیمی امروزی هستند و در گذشته‌های دور، نمود کمتری داشته‌اند. بنابراین، باید نوگرایی را تجربه کرد تا کاستی‌های سنت، بهتر نمود یابد و بتوان برای آن راهکار ارائه کرد.

در شازده حمام، گفتمان آرمان‌گرایانه نویسنده در ضدیّت با استبداد و استثمار دوره پهلوی هویت می‌یابد. در این کتاب، نمونه‌ای از استثمار پهلوی، بهره‌کشی از کودکان است که نویسنده بارها از آن انتقاد می‌کند و راهکار ارائه می‌دهد:

«من نمی‌دانستم در این دنیای وانفسا که عمومی ۷۰ساله میلیونر می‌خواهد حقّ برادرزاده ۱۸ساله محتاجش را بخورد، باید حقّ خود را گرفت. چه تعداد از عموها و دایی‌های این کشور و این دنیای خاکی با داشتن امکانات زیاد، حقّ بچه‌های برادر و خواهر خود را خورده‌اند؟ خدا می‌داند. عموهایی مثل عمومی من که در خانه ویلایی ۳۰۰۰ متری زندگی می‌کردند و همیشه نوکر، کلفت و آشپز داشتند و برادرزاده‌اش به نان شب محتاج بود و او حقّش را می‌خورد، کم نیستند. پس باید برای بچه‌های یتیم این مملکت تشکیلاتی ایجاد گردد که از آن‌ها حمایت کند و حقوق آن‌ها را از بدهکاران به‌طور جدی مطالبه کند. البته دادستان خود را قیّم بچه‌های یتیم می‌داند؛ ولی دادستان کافی نیست. باید NGO (سازمان‌های مردم‌نهاد) درست کرد. کار مردم باید در دست مردم باشد. البته دادستان سال ۱۳۴۵ وظیفه قانونی‌اش را انجام داده بود. خدا بیامرزدش. بچه‌ها معمولاً تابع احساسات هستند و ارزش پول را نمی‌دانند، به‌ویژه اگر در فقر بزرگ شده باشند، نمی‌دانند پول به چه درد می‌خورد» (همان: ۶۵).

مصادیق دیگر: صفحات ۳۷، ۳۸، ۷۰، ۷۱، ۸۷، ۱۷۱، ۱۹۷، ۲۳۳ و ۲۳۴.

۳-۱-۴. درس گرفتن از گذشته جهت جبران کاستی‌ها

نویسنده شازده حمام، دو جهان متفاوت را تجربه کرده است. ابتدا کودکی به‌نام حسین بوده که در دهه‌های ۱۳۳۰ به‌بعد در یزد زندگی می‌کند. او از همان زمان به‌دنبال

کسب علم و آگاهی است. به کتابخانه شهر می‌رود تا حکمت افلاطون را بخواند؛ اما کتابدار او را از کتابخانه بیرون می‌کند. در جلسات قرآنی آقای نجفی شرکت می‌کند تا قرآن بیاموزد؛ اما او را راه نمی‌دهند. حال همین کودک، بر مسند تدریس نشسته و استاد دانشگاه شده است. بدیهی است که از گذشته درس بگیرد و کسب تجربه کند. در نمونه زیر، نویسنده ضمن نتیجه‌گیری، به نظام آموزشی نیز انتقاد می‌کند و شیوه درست تعلیم را یادآور می‌شود:

«اما من از این برخورد تند آقای نجفی اندرز گرفتم. وقتی خود معلم شدم، سعی کردم هرگز با هیچ دانشجویی این چنین برخورد نکنم. اگر مرحوم نجفی خدایا امروز، بچه‌های محله را به جلسه قرآن جذب کرده بود، هم جلسه‌اش پایدارتر می‌شد و همیشه خون جدید در رگ‌های جلسه بود و هم شاید امروز صدها قرآن‌خوان و عمل‌کننده به قرآن در محله ما اضافه می‌شد» (همان: ۷۸).

مصادیق دیگر: صص ۱۷، ۳۳، ۳۵، ۷۹، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۲ و ۲۱۰.

۳-۱-۵. تعریض

یکی دیگر از دلایل به کارگیری فرامتن‌ها، تعریض است؛ یعنی نویسنده در قالب کلمه یا عبارتی، غیرمستقیم و پوشیده، آن معنایی را که در نظر دارد، بیان می‌کند و در عین حال، با گوشه‌زدن به کسی یا تفکری، مقصود خود را به اغراض گوناگون که بر نقد استوار است، می‌رساند.

«تعریض معمولاً کنایه‌ای است خصوصی که بین دو نفر ردوبدل می‌شود و معمولاً جمله‌ای است اخباری که مکنی^۱ عنه آن هشدار به کسی یا نکوهش یا تنبیه و یا سخره کردن باشد و از این رو مخاطب را آزرده می‌کند و در عرف می‌گویند فلانی به فلانی گوشه زد. تعریض در مورد کسی یا کسانی جنبه کنایی دارد و ممکن است در مورد دیگران مطلبی عادی قلمداد شود» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۲۸۸).

در نمونه زیر، نویسنده، داستان یک میلیارد را می‌گوید که تنها مشکل او بی‌سوادی است و این با شخصیت پاپلی یزدی که عضوی از جامعه علمی کشور است، ولی میلیارد

نیست، در تناقض است. همین موضوع باعث می‌شود او به زبان تعریض، از نظام آموزشی کشور انتقاد کند. در مثال زیر، بیان افتخارات علمی یا کاربرد پیاپی واژه استاد، مدح خود نیست؛ بلکه تعریضی به ناتوانی مالی یک استاد دانشگاه است:

«عبّاس، پسر آغلام، هم‌شاگردی من که ۶ کلاس سواد دارد، خود مدیر شرکتی است که صاحب دو کارخانه با بیش از ۸۵۰ کارگر است. من وقتی استاد پایه ۱۸ دانشگاه بودم و برنده جایزه کتاب سال و پژوهشگر نمونه سال، صاحب ۶۰ مقاله علمی و صاحب امتیاز فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، عضو مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه و استاد مدعو دانشگاه سوربن، می‌خواستم در سال ۱۳۸۱ در تهران یک آپارتمان ۶۰متری بخرم... من می‌دانستم که عبّاس پسر آغلام، وضعیت خوب است؛ ولی من استاد دانشگاه خیلی نمی‌فهمم وضع خوب یعنی چه؟... خانم و بچه‌های عبّاس، هم‌شاگردی من، منتظر دوست بابایشان بودند که استاد دانشگاه است... بالاخره گفت حسین جان، چه آپارتمانی می‌خواهی؟ یکی از دوستان من تازه ساختمان ۲۲ طبقه‌ای را اطراف نیاوران تمام کرده است... من دیگر لازم ندیدم که بگویم آمده‌ام یک آپارتمان ۶۰متری با استفاده از وام ۶میلیون تومانی که به اساتید دانشگاه می‌دهند بخرم، آمده‌ام صلاح دید کنم که خوب است یا نه» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۵۳ و ۱۵۴).

مصادیق دیگر: صفحات ۱۸، ۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۷ و

۲۱۸.

۳-۱-۶. ابراز عواطف

یکی از نشانه‌های حضور نویسنده در متن، ابراز احساسات و عواطف به رویدادها و اشخاصی است که بیان می‌کند. البته به باور ما، پشت هر احساس و عاطفه‌ای، عقیده و تفکری نهفته است؛ مثلاً هنگامی که ما در خصوص یک موضوع ابراز رضایت می‌کنیم، نشان از یک باور قلبی دارد یا اگر نفرت و انزجار خود را به کسی نشان می‌دهیم، معلوم است که در زندگی، عملاً او را از خود طرد می‌کنیم. در مثال زیر، نویسنده به حال زنان جامعه خود افسوس می‌خورد و با بیچاره خواندن آن‌ها، احساس و عواطف خود را ابراز

می‌کند که بیانگر گفتمان حمایت از زنان نیز است:

«یکی از زن‌ها که شوهرش ۳۰ سال از خودش بزرگ‌تر بود و سه سال بود به بمبئی رفته بود، التماس می‌کرد که شوهرش طلاقش بدهد و شوهرش اصلاً به نامه‌هایش پاسخ نمی‌داد. فقط گاه‌گاه برای او پول می‌فرستاد. بیچاره این زن‌ها» (همان: ۱۶۹).

مصادیق دیگر: صفحات ۱۸، ۲۴، ۴۵، ۷۱، ۱۷۱، ۲۰۲ و ۲۱۷.

۳-۱-۷. روشنگری

گاه فرامتن‌های نویسنده در خدمت روشن‌شدن مطالب قرار می‌گیرد. این مسئله بیشتر در جایی است که مطلب، نیاز به توضیح بیشتر داشته باشد؛ مثلاً گاهی نویسنده معنای کلمه یا اصطلاحی را که ممکن است خواننده نداند، در قالب جمله معترضه، برای توضیح بیشتر شرح می‌دهد، بدون آنکه ایدئولوژی خاصی را مدنظر داشته باشد. به نظر می‌رسد معلمی ایشان در دانشگاه و توضیح مطالب موجب شده باشد گاهی مثلاً هنگام ذکر برخی اصطلاحات قدیمی یا محلی یزد، این احساس نیاز در او پیش آید و به توضیح آن‌ها پردازد:

«برخی از خانه‌ها آب بریده داشتند. آب بریده یعنی راهروی (کوره) فرعی به طول چندین متر تا چندین ده متر از زیر خانه‌ای تا مجرای اصلی کوره قنات ایجاد می‌کردند تا آن خانه بتواند از طریق چاه یا جوب به آب دست یابد» (همان: ۱۷).

مصادیق دیگر: صفحات ۱۳، ۶۹، ۹۰، ۱۷۶، ۱۸۰ و ۱۹۵.

۳-۲. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده گفتمانی فرامتن‌ها

آنچه بر ارزش اثر شازده حمام افزوده و آن را از سایر آثار مشابه، متمایز ساخته، این است که نویسنده صرفاً به دنبال تحلیل گفته‌های خود نیست، بلکه اگر برای موضوعی دلیل می‌آورد یا مطلبی را تفسیر می‌کند یا به کسی تعریض می‌زند یا راهکاری ارائه می‌دهد، قصد دارد ایدئولوژی پنهان خود را هم در قالب آن جملات نشان دهد؛ بنابراین، این گونه جملات، حضور راوی، نظرها و جبهه‌گیری‌های شخصی او یا به تعبیر دیگر، گفتمان او را در متن روایت نمایان می‌کنند. حال، سؤال مهم اینجاست که چه مؤلفه‌هایی

باعث می‌شود نویسنده به منطق گفتمانی روی بیاورد؟ سهم کدام یک بیشتر است و چرا؟ در ادامه، آن مؤلفه‌ها را بر اساس فراوانی، به ترتیب نمودار ب بیان می‌کنیم و به پاسخ این سؤالات می‌پردازیم.

۱-۲-۳. نقد فقر مادی

نگاهی به نمودار ب نشان می‌دهد مؤلفه فقر مادی، بیشترین تأثیر را در رویکرد نویسنده به فرامتن و بیان گفتمان خود داشته است. علت این موضوع، ناشی از این است که نویسنده کودکانی خود را روایت می‌کند. کودکانی که در یتیمی و زیر سایه فقر سپری شده است. او می‌گوید که در کلاس سوم ابتدایی، جغرافیای پستی و بلندی‌ها را با جغرافیای اجتماعی و جغرافیای فقر، لمس و زندگی کرده است؛ پس بدیهی است که پرداختن به فقر، بیشتر در گفتمان نویسنده منعکس شده باشد.

بارزترین مصداق فقر مادی، گرسنگی و نبود یا کمبود مواد غذایی است که نویسنده با بهره‌گیری از واژه غیرهسته‌ای نان، آن را به خوبی منعکس می‌کند. گفتنی است واژگان هسته‌ای، طبیعی‌ترین واژگانی هستند که اهل سخن به کار می‌برند، بدون آنکه معنا و منظوری در آن‌ها نهفته باشد؛ اما واژگان غیرهسته‌ای، بار ایدئولوژیکی و گفتمانی دارند. «راه‌های متعددی برای رده‌بندی واژگانی وجود دارد، من جمله اینکه بنا بر قول ماکارتی (۱۹۹۰) تمام لغات زبان از شأن و کارکرد مساوی برخوردار نیستند. برخی به سبب نقش خاص خود در مرکز قرار می‌گیرند و بعضی دیگر حالت حاشیه‌ای را دارند. با توجه به این ویژگی، کارتر (۱۹۸۷: ۹) واژگان را به دو گروه کلان هسته‌ای و غیرهسته‌ای تقسیم می‌کند و می‌گوید اصطلاح واژگان هسته‌ای به آن عناصری از شبکه واژگانی زبان اطلاق می‌شود که بی‌نشان هستند؛ یعنی این کلمات طبیعی‌ترین، بنیادی‌ترین و ساده‌ترین اقلام واژگانی هستند که در اختیار اهل زبان قرار دارند» (پارمحمدی، ۱۳۹۳: ۶۶).

در مثال زیر، نان، تعبیری غیرهسته‌ای برای واژه غذاست. در جمله «وقتی نان خوردیم...»، مبنای انجام کار، بر خوردن نان و غذا گذاشته می‌شود. یکی از دلایلی این

است که ایرانیان برای گندم و نان، ارزش فراوانی قائل شده و همواره آن را نماد برکت به شمار می‌آورند. از سوی دیگر، نان معمولاً کمترین قیمت را داراست؛ پس برای کاربران آن، حیاتی‌ترین و ضروری‌ترین نوع غذا به شمار می‌رود. همین قیمت کم باعث می‌شود مصرف نان در بسیاری از فرهنگ‌ها نماد فقر باشد و غذای فقیران محسوب شود؛ اما اگر نهاد جمله می‌گفت: «وقتی نماز خواندیم...»، مبنای انجام کار بر عبادت گذاشته می‌شد؛ پس در چنین جوامعی که نماز سرلوحه کلامشان است، ایدئولوژی دینی جایگاه ویژه‌ای دارد.

«وقتی نان خوردیم، ما می‌خواهیم و پدر و مادرم با هم طناب مویی برای آقا اسدالله درست می‌کنند» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۰۲).

نمونه‌ای دیگر:

«بچه‌های همسایه بیشتر کتک می‌خوردند تا نان، چه برسد به گوشت و پلو. خودم بارها دیدم که یک همسایه (همان مادر حسین ص) شب‌ها سیب‌زمینی آب‌پز می‌کرد. او صبر می‌کرد تا بچه‌هایش با شکم گرسنه خواب بروند. پاسی از شب گذشته، آن‌ها را بیدار می‌کرد و می‌گفت آبگوشت آماده است» (همان: ۹۸).

نویسنده به ابعاد گوناگون فقر مادی می‌پردازد که از نگاه او استعمار کودکان کار، جامعه طبقاتی، جغرافیای یزد و مهاجرت به‌عنوان علت یا نتیجه فقر، سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند. نگارندگان به سبب پرهیز از اطناب، خواننده را به مصادیق دیگر فقر مادی ارجاع می‌دهند که در صفحات ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۳۸، ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۵، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۴، ۱۶۵، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۰۶ آمده است.

۲-۳. تقابل سنت و مدرنیته

بر اساس نمودار ب، بعد از فقر مادی، اغلب فرامتن‌ها از روند تقابل سنت و مدرنیته تحلیل‌پذیر هستند؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نگارنده شازده حمام در دو

موقعیت ظاهر می‌شود: یک بار در زمان وقوع حوادث، در جامعه‌ای سنتی که در جلد اول خاطرات، تمام کودکی‌های او در آن اتفاق افتاده است و یک بار هم در زمان نگارش آن، در جامعه‌ای که با سنت فاصله زیادی دارد. علاوه بر آن، نویسنده هنگام نگارش سرگذشت خودنوشت خویش، جوامع دیگری را تجربه کرده، تحصیلات آکادمیک خود را در دانشگاه‌های معتبر اروپایی گذرانده، به استادی دانشگاه رسیده و در دانشگاه‌های داخل و خارج تدریس کرده است. انتقادات او به نظام سخت‌گیرانه آموزش و پرورش رژیم پهلوی، نشان از تأثیر نظام آموزش دانشگاهی سوربن فرانسه دارد که او را وادار به نقد و ارائه راهکار در این زمینه می‌کند و هم‌زمان به تقابل سنت و مدرنیته روی می‌آورد. همین دو جهان متفاوت باعث می‌شود هنگام مرور خاطرات، اغلب با این تقابل، فرامتن‌های خود را تفسیر کند. این موضوع به او قدرت تحلیل و نقد می‌دهد و زمینه‌ای برای قیاس فراهم می‌کند. در نمونه زیر، نویسنده هم‌زمان نگاهی انتقادی به آموزش سنتی و مدرن دارد:

«هرگاه خوابم می‌گرفت یا حواسم پرت می‌شد، ترکه ملّا حواس مرا سر جایش می‌آورد. هنوز عصر مدرنیته، عصر روان‌شناسی، عصر فرزندسالاری و آموختن با تشویق آغاز نشده بود. بازی گوشی می‌کردی، کتک می‌خوردی. ترکه انا خیس و اگر لازم می‌شد فلک هم می‌شدی. شاید هم خاصیت همین ترکه‌ها و فلک‌ها بود که در عصری که ویراستار نبود، املا و انشای بچه‌ها خیلی بهتر از بچه‌های عصر ویراستاری بود» (همان: ۲۶).

مصادیق دیگر: صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۹، ۴۳، ۷۸، ۷۹، ۹۲، ۹۳، ۱۰۳، ۱۴۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۱ و ۲۳۶.

۳-۲-۳. نقد فقر فرهنگی

به‌طور عام، امروزه فقیر به کسی گفته می‌شود که درآمد کافی برای اداره زندگی خود نداشته باشد؛ اما فقر فقط مادی نیست و گونه‌های زیادی دارد. به نظر می‌رسد

مهم‌ترین نوع فقر، فقر فکری و فرهنگی است؛ زیرا هیچ امر فردی و اجتماعی، خارج از حیطه فرهنگ نیست و فرهنگ، مجموعه‌ای از باورها، سنت‌ها و آداب و رسوم است که تمام موازین دینی، اخلاقی، عقلانی و اقتصادی را در یک جامعه شامل می‌شود.

پاپلی در جایی از کتاب، از برخورد مردم جامعه‌اش با دیوانگان و افرادی که از ضریب عقلی کمی برخوردارند، سخن می‌گوید و ضمن نگرشی نکوهش‌گرانه، آن را به نقد می‌کشد و در آخر، با آوردن نام میشل فوکو^۱ (۱۹۲۶-۱۹۸۴) و سایر فلاسفه‌ای که درباره دیوانگان و زندانیان کتاب‌های فلسفی نوشته‌اند، از راهکار «اقتدار کارشناس» که یکی از زیرمجموعه‌های الگوی مشروعیت‌سازی لیوون است، بهره می‌گیرد تا به سخن خود اعتبار بخشد و از ستمی که بر دیوانگان می‌رود، مشروعیت‌زدایی کند:

«ستمی که بر این بیچاره‌ها [یعنی دیوانگان] می‌رفت شاید از ستمی که بر زن‌های بیوه و بچه‌های یتیم می‌رفت بیشتر بود. باید میشل فوکو و سایر فلاسفه‌ای که درباره دیوانگان و زندانیان^۲ کتاب‌های فلسفی نوشته‌اند این مسائل را حلّاجی کنند. آیا دیوانگان را باید از دید مارکسیستی و جایگاه طبقات اجتماعی آن‌ها تحلیل کرد؟» (همان: ۲۱۷).

رفتار مردم در جامعه سنتی آن زمان یزد که تابعی از رفتار همه ایرانیان با این قشر ستم‌دیده است و مقایسه آن با برخورد مردم در قرون وسطی که میشل فوکو در تاریخ جنون به آن اشاره کرده است، کندی روند مدرنیته را در ایران به خوبی نشان می‌دهد. «مردم به [بیمارستان] بیستر می‌رفتند تا ببینند که نگهبان چگونه مثل معرکه‌گیرهایی که میمون‌ها را در بازار مکاره سن‌ژرمن دست‌آموز می‌کردند، دیوانه‌ها را در معرض تماشای مردم می‌گذارد. بعضی از زندانبان‌ها به دلیل مهارتشان در وادار کردن دیوانه‌ها به انواع رقص و بندبازی به زور چندین ضربه شلاق، شهرت خاص داشتند» (فوکو، ۱۳۸۸: ۸۱).

1. Michel Foucault

۲. در اینجا نویسنده به‌طور ضمنی به دو کتاب میشل فوکو به نام‌های تاریخ جنون و مراقبت و تنبیه اشاره می‌کند که اولی به دیوانگان و دومی به زندانیان پرداخته است.

هر اندازه از سنت فاصله می‌گیریم، این نوع نگاه تغییر می‌کند و سرانجام به توگد آسایشگاه می‌انجامد؛ یعنی پذیرش جنون و برخورد درست با آن بر اساس حقیقتی انجام شد که انسان‌ها مدت‌های طولانی از درک آن عاجز بودند. فوکو می‌گوید: «عصر رنسانس هرچند خشونت جنون را مهار کرد، به آن مجال داد آزادانه ابراز وجود کند. عصر کلاسیک اما با اعمال زوری غریب، صدای آن را خاموش کرد» (همان: ۴۹). در جایی دیگر اشاره می‌کند: «در ابتدای قرن نوزدهم، انسان از مشاهده این امر که دیوانگان همچون محکومان عادی یا زندانیان سیاسی مورد بی‌مهری و بدرفتاری بودند، برمی‌آشت؛ اما در طول قرن هجدهم معتقد بودند که زندانیان استحقاق وضعیتی بهتر از این دارند که با دیوانگان همنشین باشند» (همان: ۲۱۵).

یکی دیگر از جلوه‌های فقر فرهنگی، داستان پذیرفتن تکنولوژی است. در مثال زیر، نویسنده از آمدن ماشین لباس‌شویی می‌گوید که عده‌ای آن را نمی‌پذیرفتند؛ چون فکر می‌کردند لباس را آب نمی‌کشد و لباس‌ها نجس می‌مانند؛ اما تفسیر نویسنده از این موضوع چنین است که نجس و پاکی برای بیشتر پول‌دارها بحث اعتقادی نبود، بلکه بحث طبقات اجتماعی و استثمار طبقه کارگر توسط ثروتمندان بود:

«تازه وقتی پول و تکنولوژی پیدا شد، مگر عده‌ای فوری ماشین رخت‌شویی خریدند؟ عده‌ای از زن‌های پول‌دار که در خانه کلفت داشتند، می‌گفتند پول بدهیم ماشین رخت‌شویی بخریم که کلفتان بیکار بماند. این‌گونه زن‌های پول‌دار برای توجیه نخریدن ماشین می‌گفتند ماشین لباس‌شویی چون لباس را آب نمی‌کشد، لباس‌ها نجس می‌ماند، باید لباس آب کشیده شود... پس نجس و پاکی برای بیشتر پول‌دارها بحث اعتقادی نبود، بحث طبقات اجتماعی و استثمار طبقه کارگر توسط ثروتمندان بود. البته در سال‌های اولیه ورود ماشین رخت‌شویی، عده‌ای واقعاً بحث اعتقادی داشتند. این افراد تا سال‌ها وقتی ماشین لباس‌ها را می‌شست، برای اینکه لباس‌ها پاک شود، آن‌ها را آب می‌کشیدند و سپس روی بند برای خشک‌شدن آویزان می‌کردند. این داستان پذیرش تکنولوژی هم مبحث زیبایی است که کسی باید درباره آن داستان‌ها بنویسد» (پاپلی

یزدی، ۱۳۹۸: ۲۹).

سادگی مردم، خشونت علیه زنان و هوا و هوس در جامعه، از مصادیق دیگر فقر فرهنگی است که در صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۴، ۴۳، ۷۸، ۷۹، ۹۲، ۹۳، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۰۶، ۲۱۷ و ۲۱۸ آمده است.

۴-۲-۳. نقد نظام آموزشی

پس از فقر و تقابل سنت-مدرنیته، نویسنده بیشترین نگاه انتقادی را به نظام آموزشی کشور دارد. شاید به این دلیل که خود عضوی از جامعه علمی کشور است و تأثیر نظام آموزش دانشگاهی، او را وادار به نقد و ارائه راهکار می‌کند. او از محتواهای درسی، بی‌سوادی نظام آموزشی، هدر رفتن استعدادها و وضعیت معیشتی معلمان انتقاد می‌کند: «در شرایط فعلی، فشار اقتصادی روی معلمان موجب شده است که شأن معلم نزد دانش‌آموز کاسته شود. دبیری که تاکسی‌سرویس امثال شاگرد خودش است، کجا می‌تواند پدر روحانی او باشد» (همان: ۱۷۱).

نویسنده در کتاب خود، به تعلیم و تربیت اهمیت فراوانی می‌دهد. از نظر او کیفیت آموزشی زمانی بالا می‌رود و معنا می‌یابد که فراگیران، از کار کردن معاف باشند؛ زیرا باعث به هدر رفتن استعدادها می‌شود:

«وقتی می‌بینم که دانشجوییم در دوره دکترا برای امرار معاش، تاکسی‌رانی می‌کند یا کیف ساسونتش را کنار خیابان احمدآباد مشهد و سر میدان ولی عصر تهران پهن می‌کند و شمع‌های عروسکی می‌فروشد، خیلی خوب می‌فهمم که چرا پاسخ سؤالات را درست نمی‌دهد» (همان: ۱۹۹ و ۲۰۰).

مصادیق دیگر: صفحات ۲۶، ۷۰، ۷۱، ۷۸، ۸۴، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۰۱ و ۲۰۲.

۵-۲-۳. نقد تبعیض زنان

اثر روایی *شازده حمام*، نمایی واقعی از وضعیت زنان را در ایران، با نگاهی مردم‌شناسانه نشان می‌دهد. نتایج حاصل از بررسی فرامتن‌های پیوسته نشان می‌دهد

ازدواج‌های اجباری، نداشتن حق رأی، فقدان حقوق جنسیتی برابر و فقر و بهره‌کشی که همگی جلوه‌هایی از تبعیض علیه زنان است، با بسامد زیاد در این کتاب مشاهده می‌شود: «از روزی که یادم می‌آید زن‌ها استثمار شده بودند و هیچ‌گونه پشتوانه مالی و اجتماعی نداشتند. فقر بیداد می‌کرد. اکثر آن‌ها در اتاق‌های خانه‌های بی آب و برق زندگی می‌کردند. در اتاق‌هایی که تا نصفه بیشتر فرش نداشت» (همان: ۳۵).

در گفتمان زیر، نسبت‌دادن صفت بیچاره به دختر بچه‌ها و تشبیه آن‌ها به موش و استفاده از تعبیر غیرهسته‌ای «چپیدن» که معنای ظلم و فشار را در خود دارد، همه بیانگر وضعیت دختر بچه‌ها به‌عنوان جنس ستم‌دیده جامعه و بیانگر گفتمان نویسنده در حمایت و طرف‌داری از زنان است:

«بیچاره این دختر بچه‌ها که در دهات باید در مزرعه کار می‌کردند و در شهر مثل یک موش روزها از صبح سحر تا غروب می‌چپیدند توی کارگاه شعربافی تانان خود را در آورند و در ۱۱ سالگی زندگی را کنار یک مرد ۶۰-۷۰ ساله تریاکی می‌گذرانند. تازه وقتی ۱۸-۲۰ ساله می‌شدند، شوهرشان می‌مرد و بیوه می‌شدند. شانس می‌آوردند، زن یک فقیر دیگری می‌شدند. شانس نمی‌آوردند، تمام عمر را در حسرت یک لحظه که دست مردی زیر سرشان قرار گیرد، سپری می‌کردند و با بدبختی چند تا بچه قدونیم‌قد را بزرگ می‌کردند» (همان: ۲۴).

نویسنده در مثالی دیگر، به آزادی زنان معنا می‌بخشد. از دیدگاه او، آزادی خواهان همواره حق خود را خواهند گرفت. برای مشروعیت‌بخشیدن به این سخن، از اعتبار ستارخان و باقرخان، دو مبارز آزادی‌خواه، کمک می‌گیرد. همچنین آنجا که از کاندیدای ضد زن نام می‌برد، به گونه‌ای بیانگر گفتمان نویسنده در باره حضور زن در اجتماع است:

«روزی در دفتر یک کارشناس ارشد معاونت پژوهشی وزارت علوم بودم که کاندیدای نمایندگی هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی شده و مورد تأیید شورای نگهبان هم واقع شده است. این کارشناس محترم که با هم‌فکران خود گروهی را درست

کرده بود و در محلّ اداری و ساعات اداری داشت طرح تبلیغاتشان را شرح می‌داد، گفت در گروه ما هیچ زنی نیست. ما معتقدیم جای زن در آشپزخانه است. زن باید در خانه و در آشپزخانه بماند. پیش خود گفتم برای معصومه، سکینه و زری که حالا بین ۶۴ تا ۸۰ سال دارند، بنویسم تا از یزد به تهران بیایند و تکلیفشان را با این کاندیدای ضدّ زن روشن کنند. مطمئن هستم اگر آن‌ها به تهران می‌آمدند، با لنگه کفش، دهان این کارشناس محترم و کاندیدای مجلس هفتم را خونین می‌کردند. بعد خودم خندیدم و گفتم کتک‌زدن که روش دموکرات‌ها و آزادی‌خواهان نیست. اگرچه دموکرات‌ها و آزادی‌خواهان هم خیلی این دست و آن دست می‌کنند، اما همیشه معصومه‌ها، سکینه‌ها [و] زری‌ها خواهند بود و حقّ خود را خواهند گرفت و آلا کار این زن‌های بی‌سواد و فقیر کوچه‌پس‌کوچه‌های ۴۵ سال قبل یزد، کمتر از کار ستّارخان و باقرخان سردار و سالار ملی‌خدا بیامرز نیست. البته آن کاندیدای ضدّ زن هم رأی نیاورد و به مجلس راه نیافت» (همان: ۱۹۴ و ۱۹۵).

مصادیق دیگر: صفحات ۳۳، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۴۳، ۱۶۹، ۱۸۰، ۱۹۱، ۱۹۲ و ۱۹۴.

۶-۲-۳. نقد نظام سیاسی

اهمیت به اعتقادات ملی، وطن‌پرستی و اندیشهٔ مردم‌گرایانه در فرامتن‌های پیوسته، گفتمان ناسیونالیستی پاپلی یزدی را تشکیل می‌دهد. در این گفتمان، وحدت و یگانگی به‌عنوان هستهٔ مرکزی در کنار وطن‌پرستی، استقلال و آزادی قرار داده می‌شود و معنایی گفتمانی می‌یابد. در مثال زیر، نویسنده با استفاده از راهکار «عقلانی‌سازی» و رویکرد «تأثیرمحوری»، به‌عنوان یکی دیگر از زیرمجموعه‌های الگوی مشروعیت‌سازی لیون، می‌خواهد از دخالت بیش از حدّ دولت در همهٔ امور، مشروعیت‌زدایی کند؛ زیرا هم کار ادارهٔ مملکت را خراب می‌کند، هم مانع از ساخت‌وسازهای مردمی می‌شد و هم باعث فرار مغزها و سرمایه‌ها از ایران. «گاهی عقلانی کردن یک عمل با توجه به تأثیرات و نتایجی که به همراه دارد، توجیه می‌شود» (Leeuwen, 2007: 100-101).

«در کلّ کشور و از جمله در یزد، ابتدای عصر مدرنیسم، بخش خصوصی فعّال‌تر از

بخش دولتی بود... این دخالت بیش از حد دولت در همه امور، کار اداره مملکت را خراب کرد. حالا هم می‌خواهند با قوانین دولتی، بخش خصوصی را فعال کنند. این نشدنی است. مردم می‌خواهند کارخانه بسازند. مملکتشان را بسازند. ایجاد اشتغال کنند. دولتی که نه طرح دارد نه برنامه آمایش سرزمین و طرح جامع توسعه، ۲ سال مردم را می‌دواند تا مجوز و پروانه ساخت کارخانه صادر کند. بعد می‌گویند چرا مغزها و سرمایه‌ها از ایران فرار می‌کنند؟!» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۱۲۹).

مصادیق دیگر: صفحات ۱۴، ۱۵۱، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۳۳ و ۲۳۴.

۳-۲-۷. نقد نظام اقتصادی

بارزترین نگاه انتقادآمیز نویسنده را به اقتصاد، می‌توان در فرامتن‌هایی دید که از کاهش ارزش پول فعلی، نظام سرمایه‌داری و وضعیت نامطلوب آب شرب سخن می‌گوید؛ مثلاً در فرامتن زیر، نویسنده به وضعیت نامطلوب لوله‌کشی و تأمین آب شرب اشاره می‌کند که به گفته او، در سال ۱۳۸۳ هنوز در بسیاری از روستاها این مشکل وجود داشته است:

«تأمین آب شرب مسئله‌ای بود. وقتی من کلاس نهم بودم، شهر یزد لوله‌کشی شد؛ ولی تا حدود ۲ سال در لوله‌ها آب نبود. از آن‌ها هوا خارج می‌شد. (در سال ۱۳۸۳ هنوز بسیاری از روستاها از جمله روستاهای نزدیک مشهد مثل روستای فاز [باز]، زادگاه فردوسی، روستای پرمه، روستای معین‌آباد، حسین‌آباد، همه در زیر دست سد کارده، آب خوردن نداشتند و از لوله‌هایشان به جای آب، هوا بیرون می‌آمد)» (همان: ۹۳ و ۹۴).

مصادیق دیگر: صفحات ۳۷، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۷۲، ۸۲، ۸۳، ۱۰۰، ۱۲۹، ۱۶۰ و ۲۰۵.

۳-۲-۸. نقد اعتقادات خرافی

در بخشی از روایت‌ها، پاپلی به برخی اعتقادات خرافی در آن زمان اشاره می‌کند. این اعتقادات نشان از سادگی و ناآگاهی مردم داشت که غالباً با سوءاستفاده برخی از بزرگان مذهب روبه‌رو شده و به نام دین به مردم عرضه می‌شد؛ به این معنا که همان

سادگی را بهانه و دستاویزی می کردند تا سخنان خود را به کرسی بنشانند. «باورهایی که در کودکی در مغز آدم فرومی رود، بیرون کردنش کار بسیار مشکلی است. خدایا، مرزد آن معلم خوب، آقای فرحناک را که تشخیص داد حرف یک منبری را باید یک روحانی نقض کند، و گرنه معلوم نبود چه اندازه ما بچه‌ها باید از ترس جن و غول در عذاب باشیم» (همان: ۱۷۶).

به نظر می‌رسد سخن شخصیت‌های روحانی به دلیل موقعیت اجتماعی خود، اغلب دارای تأثیرگذاری بیشتر بوده است؛ از این رو، نقض سخن آنان نیز بیشتر از سوی کسانی از جنس خودشان می‌تواند در مردم عادی مؤثر افتد. مردم عادی حتی در صورت آگاهی و علم به موضوع، اغلب جسارت چنین کاری را ندارند؛ چون فضای حاکم بر جامعه‌ای که دینی باشد، آن‌ها را طرد می‌کند و به حاشیه می‌راند. سخن فوکو در کتاب تاریخ جنون، مؤید این نظر است: «تأثیر شدیدی که بعضی از وعظ افراطی به جا می‌گذارند [و] وحشت نامتعارفی که از عقوبت اخروی خطاکاران در دل مردم ایجاد می‌کنند، در اذهان و روان‌های ضعیف، انقلابی بر پا می‌کند. بسیاری از زنان بستری در بیمارستان مونتلیمار، در پی اقامت هیئت مذهبی در شهر، روح این زنان بی‌وقفه در معرض ضربه بود؛ زیرا هیئت مذهبی صحنه‌های وحشتناکی از عقوبت اخروی را بی‌توجه به عواقب آن، برای مردم توصیف می‌کرد. این بیماران فقط از ناامیدی، انتقام، عقوبت و مانند آن سخن می‌گفتند. یکی از آن‌ها به هیچ وجه نمی‌خواست معالجه شود؛ زیرا گمان می‌کرد در جهنم است و هیچ چیز نمی‌تواند آتشی را که می‌پنداشت وجودش را به نیستی می‌کشاند، خاموش کند» (فوکو، ۱۳۸۸: ۲۰۵ و ۲۰۶). فوکو در ادامه می‌گوید: «بالاخره اینکه قداست کشیش به این دستورات جنبه مطلق می‌داد و تصور سرپیچی از آن‌ها به ذهن کسی راه نمی‌یافت» (همان: ۲۰۷).

مصادیق دیگر: صفحات ۱۱، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۸، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۷۹ و ۱۸۰.

۹-۲-۳. نقد اخلاقیات

نویسنده شازده حمام در لابه‌لای روایات خود، مخصوصاً آنجا که درباره زورخانه

و پهلوان‌پروری می‌گوید، به مسائل اخلاقی هم اشاره می‌کند و اغلب با این تفکر که اخلاقیات در جامعه مدرنیته سقوط کرده یا رنگ باخته است، آن را به نقد می‌کشد. در نمونه زیر، عقیده نویسنده چنین است که معنویات که جلوه‌ای از آن ساده‌زیستی است، در جامعه مدرنیته رنگ باخته است. او از تجمّلات این روزگار، به زرق و برق یاد می‌کند. زرق و برق، ترکیبی غیرهسته‌ای برای واژه شکوه و جلال است که معادل ایدئولوژیکی آن را می‌توان هر چیز جلف و نمایشی در نظر گرفت. نویسنده، نگاهی منفی به زرق و برق توخالی این روزگار دارد و آن را باعث سقوط اخلاقیات و نتیجه مدرنیته می‌داند:

«اخلاص و اعتقاد مردم به خداوند و بزرگان دین این چنین بود. آری آن‌ها ساده زندگی می‌کردند و ساده می‌مردند. غم هیچ چیز نداشتند. همه کسانی که پنداشته بودند بابامراد خُل و دیوانه شده است، دنبال جسد او با شرمندگی اشک می‌ریختند. هنوز هم قبر او در سید صحرای یزد مورد مراجعه مردم است و از بابامراد، مراد می‌خواهند. وقتی صفای آن روحانی پوستین‌پوش خرسوار (شیخ غلام‌رضا فقیه خراسانی) که اتاق‌های خانه محقرش جز بوریا هیچ نداشت و این بابامراد خاک‌نشین و مانند آن‌ها را در آن دوره به یاد می‌آورم و با زرق و برق روزگار فعلی مقایسه می‌کنم، سقوط اخلاقیات را می‌بینم. سقوطی که شاید نتیجه مدرنیته و درگیری امور معنوی با امور دنیوی است» (پاپلی یزدی، ۱۳۹۸: ۲۲۱).

نویسنده همچنین در موارد متعدّد، از جملات دعایی برای افراد استفاده کرده و برایشان طلب خیر می‌کند؛ اما از این گونه جملات، با کارکردهای مختلفی بهره می‌گیرد تا بتواند ایدئولوژی خود را هم بیان کند. علاوه بر این، نویسنده با ارائه این فرامتن‌ها می‌کوشد ضمن فراهم آوردن زمینه‌ای جهت مقایسه افراد یک صنف برای خوانندگان خود، به تأیید خوبی‌ها بپردازد و زشتی‌ها را تقبیح کند.

در نمونه زیر، عادل و وظیفه‌شناس بودن دادستان، بهانه‌ای است که نویسنده برای او طلب خیر کند. او اجازه‌نشین شدن دادستان را در ۲۵ سال سابقه خدمت و داشتن پست دادستانی فرمانداری کلّ یزد، نتیجه شرافت و درستکاری‌اش می‌داند و دعا برای چنین

آدمی نشان می‌دهد نویسنده، فضایل اخلاقی را همچون انصاف، شرافت و درستکاری، تکریم می‌کند؛ پس این دعای خیر، گفتمان نویسنده را هم در تأیید مطلب می‌رساند:

«دادستان چک را تحویل من داد و به آمیرزا علی‌اکبر گفت شما مسئله‌تان را با برادرزاده خود در خارج از اتاق من حل کنید. ایشان حالا خودش به تکلیف رسیده است و می‌تواند تصمیم بگیرد. خدا بیامرزد آن دادستان را که مردی شریف و قاضی درستکاری بود. عمومیم فکر کرده بود چون صاحب‌خانه او است، می‌تواند در او نفوذ کند. فارغ از آنکه اگر آن مرد شریف، درستکار نبود، با وجود بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت و داشتن پست دادستانی فرمانداری کل یزد، اجاره‌نشین نمی‌شد» (همان: ۶۴).

به نظر می‌رسد در جوامع سنتی، پابندی به اصول اخلاقی، ارزش‌های دینی و به‌طور کلی، هنجارهای پذیرفته‌شده، بیش از دیگر جوامع است؛ زیرا یکی از پیامدهای پدیده جهانی‌شدن، تبادل پرشتاب فرهنگ‌هاست که از آمیختگی آن‌ها ممکن است باورهای یک ملت به خطر بیفتد. جهان مدرنیته، جهان سرمایه‌داری است؛ جهانی که در آن، معنویات طرفداری ندارد؛ جهانی که از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای یا سایت‌های اینترنتی، بی‌اعتقادی یا حداقل سست‌اعتقادی را برای جوامع به ارمغان می‌آورد. مدرنیته‌شدن و مدرنیته فکر کردن، در ذات خود بد نیست؛ بلکه شیوه برخورد با آن مهم است. در جهانی که رو به یکی‌شدن قدم برمی‌دارد، دیگر سنت‌مداری و زندگی در روستاهای دورافتاده ممکن نیست؛ پس برای یک زندگی بهتر باید با این جریان همراه شد؛ اما ارزش‌های خود را محترم شمرد.

مصادیق دیگر: صفحات ۲۱۱، ۲۱۳ و ۲۱۴.

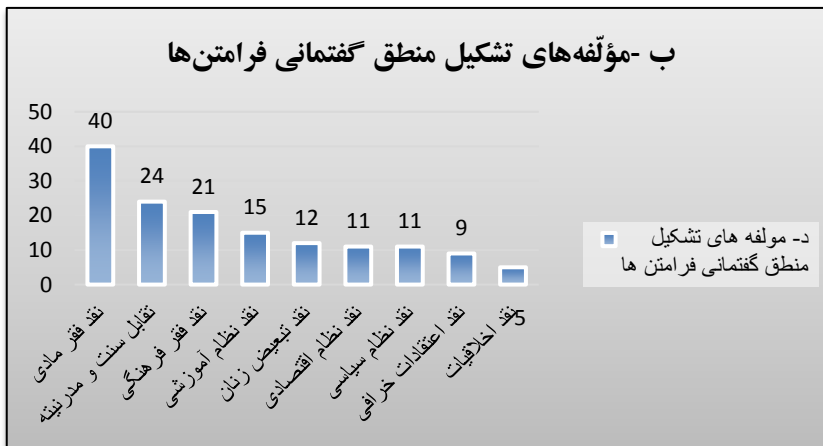
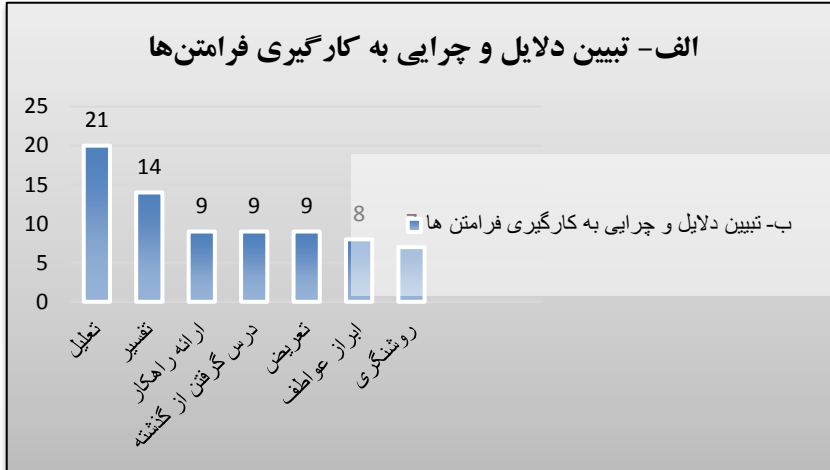
نتیجه‌گیری

تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف - راوی در جلد اول کتاب شازده حمام پاپلی یزدی نشان می‌دهد در تبیین دلایل و چرایی به کارگیری فرامتن‌ها از سوی مؤلف - راوی، به ترتیب، تعلیل، تفسیر، ارائه راهکار، درس گرفتن از گذشته برای جبران کاستی‌ها، تعریض، ابراز عواطف و روشنگری، بیشترین نکاتی هستند که نویسنده را

و ادار به استفاده از فرامتن می‌کنند. در این میان، سهم تعلیل از همه بیشتر است و این، با مؤلفه نقد که اساس منطق گفتمانی نویسنده را تشکیل می‌دهد، کاملاً همخوانی دارد؛ زیرا نویسنده زمانی می‌تواند انتقاد سازنده داشته باشد و در مسیر بهبود کاستی‌ها و اقناع مخاطب، او را با خود همراه کند که برای گزاره‌های خود دلیل بیاورد تا خواننده نیز همان برداشتی را اتخاذ کند که نویسنده ابراز کرده است و قضاوت او را بپذیرد. تعلیل در القای حس باورپذیری سخن، مؤثر است.

در بخش دوم تجزیه و تحلیل، نشان داده شد مؤلفه‌های نقد فقر مادی، تقابل سنت و مدرنیته، نقد فقر فرهنگی، نقد نظام آموزشی، نقد تبعیض زنان، نقد نظام سیاسی، نقد نظام اقتصادی، نقد اعتقادات خرافی و نقد اخلاقیات، به ترتیب، بیشترین و مهم‌ترین نکاتی هستند که در خصوص اصلاحگری و ارائه راهکار، باعث تشکیل منطق گفتمانی نویسنده شده‌اند. همچنین گفتمان‌های نویسنده بر منطقی پذیرفتنی استوار بوده و از روندهای مختلفی تفسیرپذیر است که استفاده از الگوی مشروعیت‌سازی ون لیوون و واژگان غیرهسته‌ای، مؤید این نظر است. از میان همه راهکارهایی که پاپلی ارائه می‌دهد، اندیشه مردم‌گرایی و دعوت به اتحاد و یکدستگی، بدون توجه به اختلافات، بیش از همه به چشم می‌خورد. اندیشه مردم‌گرایی فارغ از اختلافات، ایده‌ای است که مجموعه‌ای گسترده از تنوعات و تمایزات را پنهان می‌سازد و تصویری از جامعه آرمانی را که در آن، افراد با تکیه بر مشترکات خود در پی زندگی مسالمت‌آمیز، تفاهم و تساهل‌اند، ارائه می‌کند؛ در نتیجه، نویسنده انسان‌ها را به‌عنوان سوژه و کارگزار ترغیب می‌کند تا برای تحقق چنین آرمانی، دست به فعالیت بزنند.

پیوست



کیهان سعیدی و مسکاران - سال چهاردهم - بهار ۱۴۰۲ - شماره سی و یک

منابع

- باقری، بهادر، محمد رضایی و علی ملامحمّدی (۱۴۰۰)، بررسی مجموعه «آخر شاهنامه» مهدی اخوان ثالث از منظر تحلیل انتقادی گفتمان، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۲، شماره ۲۵، صص ۶۹-۱۰۰.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۹۸)، **شازده حمام**، ج ۱ و ۲، چ ۳۴، تهران: گوتنبرگ.
- پناهی، مهین، مهدی محسنیان‌راد و مرضیه نگهبان مروی (۱۳۹۷)، **بررسی سیمای زن در کتاب شازده حمام**، کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و

تحلیل منطق گفتمانی فرامتن‌های پیوسته مؤلف-راوی در سازده حمام پاپلی یزدی — ۱۸۹

فرهنگی، تهران، ۱۷ خرداد، صص ۱-۶.

_____ (۱۳۹۷)، تأملی بر اخلاقیات در کتاب سازده حمام، اولین

کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات، تهران، صص ۱-۷.

- روضاتیان، مریم و نجمه گرامی (۱۳۹۷)، **فرامتن‌های سلمان و اقبال**، مجله پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۲۵-۴۶.

- شمیسا، سیروس (۱۳۹۲)، **بیان**، چ ۲، تهران: میترا.

- فن لیون، تنو (۱۳۹۵)، **ساخت گفتمانی مشروعیت‌سازی**، در مجموعه مقالات تحلیل گفتمان سیاسی؛ امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی، ترجمه امیر رضایی پناه و سمیه شوکتی مقرب، چ ۱، تهران: نیتسا، صص ۲۱۱-۲۳۰.

- فوکو، میشل (۱۳۸۸)، **تاریخ جنون**، ترجمه فاطمه ولیانی، چ ۷، تهران: هرمس.

- کشاورزی، عظیم (۱۳۹۷)، **بررسی و تحلیل ربط و نسبت عدالت اجتماعی و رمان با تأکید بر رمان سازده حمام**، فصلنامه اورمزد، شماره ۴۵، صص ۴-۲۲.

- محسنیان‌راد، مهدی و مرضیه نگهبان مروی (۱۳۹۷)، **بررسی و تحلیل سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در کتاب سازده حمام**، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دوره ۱۴، شماره ۱۳، صص ۱۱-۳۰.

- نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۶)، **تراژدی و مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها**، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۵۶، صص ۸۳-۹۸.

- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳)، **درآمدی به گفتمان‌شناسی**، چ ۲، تهران: هرمس.

-Van Leeuwen, Theo (2007), **Legitimation in Discourse and Communication**, Sage publications, (London, Los Angeles, New Dehli and Singapore), Vol. 1(1), pp. 91-112.

